

قمار باز

با نه تفسیر

فیودار داستایفسکی

مترجم: حمیدرضا آتش‌برآب

چاپ دوازدهم



ketabtala

قمارباز

با نه تفسیر

فیودار داستایفسکی
مترجم: حمیدرضا آتش‌برآب

انتشارات علمی و فرهنگی

چاپ دوازدهم

تهران ۱۴۰۱

میرتنامہ
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی
موضوع
پادداشت
شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

داستان‌سرگئی. فیودور میخائیلوویچ، ۱۸۲۰-۱۸۸۱ م. -
قاریازا، یا نه تفسیر، فیودار داستایفسکی، مترجم؛ حمیدرضا آتش برآب،
تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۵.
نه، ۵۲۲ ص.
۹۷۸-۶۰۰-۲۴۶-۰۹۸-۳

فایا
داستان‌های روسی - قرن ۱۹ م.
چاپ دوازدهم، ۱۴۰۱
آتش برآب، حمیدرضا، ۱۳۵۶ - مترجم
شرکت انتشارات علمی و فرهنگی Elmi - Farhangi Publishing Co
PG ۳۳۶/۰۹۸۱۳۹۵
۸۹۱/۷۳۳
۲۱۲۳۸۱۸

قاریازا با نه تفسیر

نویسنده: فیودار داستایفسکی

مترجم: حمیدرضا آتش برآب

چاپ نخست: ۱۳۹۵

چاپ دوازدهم: ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لینتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کنیبه

حق چاپ محفوظ است.

اداره مرکزی:

تهران، بلوار نلسون ماندلا، تقاطع حقانی (جهان کودک)، خیابان انتشارات علمی و فرهنگی

(کمان سابق)، پلاک ۲۵، کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳، تلفن: ۵۸۴۱۵

فروشگاه مرکزی (پرنده‌آبی):

بلوار نلسون ماندلا، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه گلکام، پلاک ۷۲، تلفن: ۲۲۰۲۲۱۲-۳

فروشگاه پک:

خیابان انقلاب، روبروی در اصل دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۹۶۳۸۱۵-۱۶ و ۷۸۶-۶۶۲۰۰

فروشگاه دو:

خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فرحانی و خردمند، پلاک ۱۳، تلفن: ۸۸۳۳۳۸۰۶-۷



انتشارات علمی و فرهنگی

آه، که چه در سقوطند سالیان ما
لطیفتر دل می‌بندیم و موهومتر
برتاب، برتاب
ای برق بدرود آخرین عشق
ای برق بدرود غروب!..
درنگ کن، درنگ کن
لختی ای غروب
آهسته، آهسته

قدری ای فسون!
بگذار خون در رگهامان کاستی گیرد
اما در قلبمان هرگز لطافت نمیرد ...
آه، تو ای آخرین عشق!
تویی که هم یأس و
هم سعادتت!

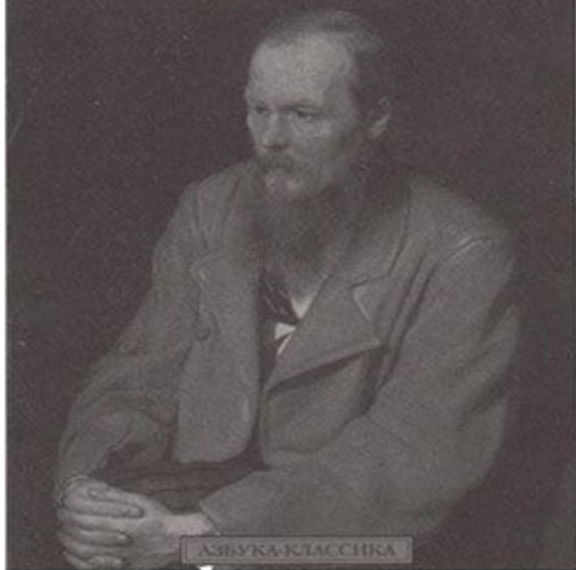
فیودار تیونچیف

بندهایی از آخرین عشق، ۱۸۵۴

(از کتاب عصر طلایی و تفره‌ای شعر روس)

ФЕДОР
ДОСТОЕВСКИЙ

Игрок



فیودار داستایفسکی

Фёдор Достоевский
(1821-1881)

فهرست مطالب

یادداشت مترجم ۱

قمارباز ۳۳

تفسیرها

آنها از خانه قانونزده آمده‌اند. ورونیکا شایاوالاوا ۲۸۳

فرم و فتیشیزم: اختلال اروتیک و اقتصادی در ادبیات. اندرو فینبرگ - ۲۹۴

قمارباز: مطالعه‌ای در روانشناسی قومی. جوزف فرانک ۳۲۸

قمارباز و مانون لیسکو. سرگی شولز ۳۶۶

اعتراف ضدقهرمان در ساختار هنری قمارباز. ناتالیا ژبوالوباوا ۳۷۸

قمارباز: سودای اروپا. والیتینا گابدولینا ۳۹۰

دنیای دگرگونی: تزلزل فراگیر در قمارباز. جولین کانلی ۴۱۳

مرض قمار. فرناندو ماشادو دیاس ۴۳۴

قمار و شور: بی‌بی بیک پوشکین و قمارباز. گری رُزنشیلد ۴۴۸

فهرست ترجمه قمارباز به برخی زبانهای مهم ۴۹۹

طرح جلد مشهورترین ترجمه‌ها ۵۰۷

همواره می‌توان با خود به توافق رسید!
فیودار داستایفسکی

یادداشت مترجم

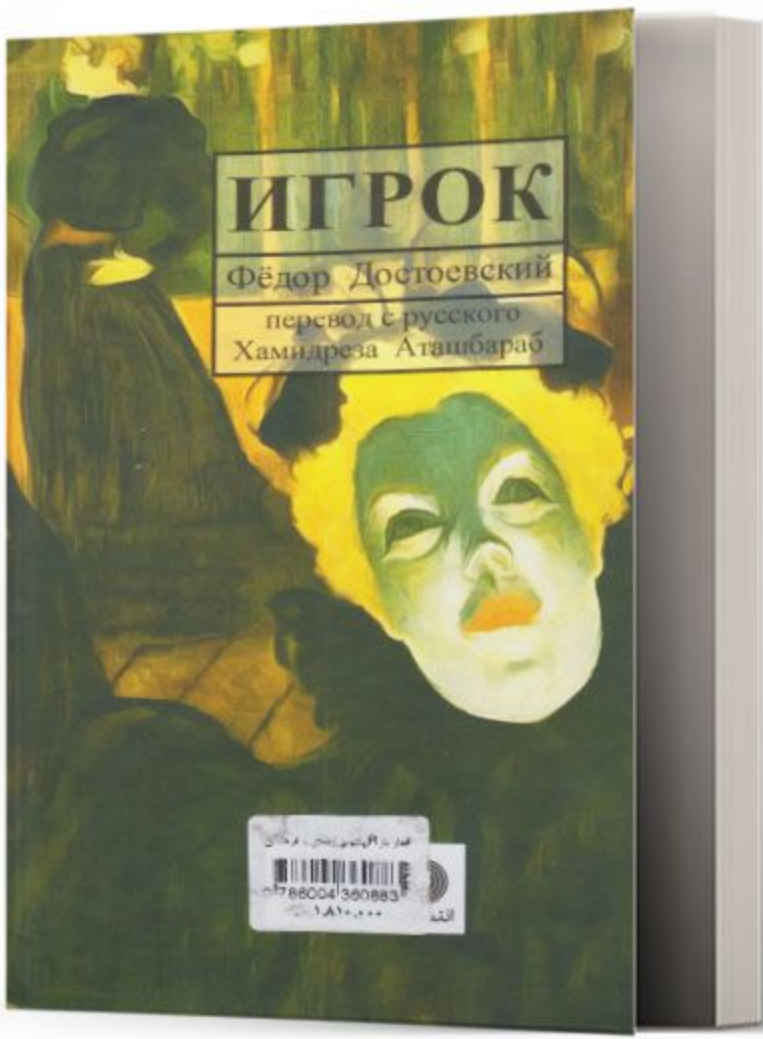
خوانندهٔ مهربانم، پیش روی تو اتوبیوگرافیک‌ترین رمان فیودار داستایفسکی است که در بیست‌وشش روز پرداخته و نوشته شد؛ فتحی در نویسندگی و اتفاقی که هرگز در جهان ادبیات دیده نشده‌است. قمارباز اثری است که اساساً در دستور کار قبلی نویسنده‌اش نبود و همه‌چیز خلق‌الساعه و در وضعیتی متشنج شکل گرفت! در آن سالِ غریب (۱۸۶۶)، برای دوران نویسندگی داستایفسکی؛ تنها روی جنایت و مکافات متمرکز بود و اصلاً قصد نداشت همزمان سرگرم نوشتن دو رمان باشد! شرایط اما طوری پیش آورد که قمارباز باید برحسب تقدیر نوشته می‌شد و جریان زندگی شخصی پیچیدهٔ داستایفسکی را هم به‌کل دگرگون می‌کرد!

نگارش و انتشار قمارباز

اولین بار قمارباز در مجموعه آثاری از داستایفسکی، که در ۱۸۶۶ منتشر شد، به دست خوانندگان رسید. طرح اولیهٔ رمان

اما در پاییز ۱۸۶۳ شکل گرفت و ۱۸ یا ۳۰ سپتامبر آن سال که داستایفسکی از رم به سترخوف می‌نویسد:

سوژه داستان یک تیپ مهاجر روس است. یادتان باشد که سؤالات مهمی در تشریحات روسیه دربارهٔ روسهای مهاجر بوده‌است و تمام اینها در داستانم شکلی خواهدداشت. و البته آناتِ معاصر و روزگار حیات درونی ما نیز تا حد امکان در آن انعکاس خواهدیافت. من طبع و سرشت ساده و طبیعی انسان را به کار گرفته‌ام؛ انسانی که از بسیاری جهات رشدیافته، اما در هیچ مسیری تا به انتها نرفته، اعتماد و باورش را از دست داده‌است و درعین حال حتی نمی‌تواند ایمان هم نداشته‌باشد؛ انسانی که در برابر آتوریته قیام می‌کند و همزمان از آنها در هراس است! خودش را تسلا می‌دهد که در روسیه کاری از پیش نمی‌رود و بنابراین پیکان انتقادش متوجه آدمهایی است که از روسیه روس‌های مهاجر ما را موردخطاب قرار داده‌اند. مزه اصلی ماجرا هم در این است که تمام عصاره و نیرو و هیاهو و جنجال و شجاعت‌های زندگی‌اش را در بازی رولت متمرکز کرده‌است. قهرمانم قمارباز است، و نه یک قمارباز ساده، درست مثل *تولویه آژمند* پوشکین که فقط یک آژمند ساده و صرف نیست. البته هرگز مقصودم قیاس خودم با پوشکین نیست و فقط از جهت روشنی مطلب بود که این مثال را آوردم. قهرمان من علاوه بر آن یک شاعر هم هست، اما مسأله این است که او در برابر چنین شعری، حس شرم و گناه دارد؛ چراکه کاملاً متوجه نازل بودن شعرش هست، در کنار این که نیاز به خطرکردن، شخص او را در چشم خودش انسانی بلندهمت و نیک‌سرشت ساخته‌است. تمام حکایت، حکایت این است که چگونه سومین سال است در قمارخانه‌ها رولت بازی می‌کند.



ИГРОК

Фёдор Достоевский

перевод с русского
Хамидреза Аташбараб

کتابخانه عمومی شهرداری تهران - مرکز کتاب
786004300883
۱۸۱۰۰۰۰
آلته